

آزادگی در کربلا

<?xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

اخلاق، یکی از سه بُعد عمده دین است و اسلام بر سه بُعد اصلی «اعتقاد»، «احکام» و «اخلاق» استوار است و تکمیل ارزش‌های اخلاقی و جهت‌دهی بخشیدن به صفات و رفتار انسان‌ها از اهداف عمده بعثت انبیا است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز فرمود: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». تصحیح منش و رفتار انسان و کاشتن بذر کمالات اخلاقی و خصال متعالی انسانی در نهاد جان انسان‌ها، بخشی مهم از رسالت پیامبر و امامان را تشکیل می‌دهد. اخلاق را از کجا می‌توان آموخت؟ از گفتار و رفتار معصوم. چرا که آنان اسوه‌اند و مظهر شایسته‌ترین خصلت‌های انسانی و خداپسند. و عاشورا چیست؟ جلوه‌گاه خلق و خوی حسینی و مکارم اخلاق در برخوردهای یک حجت معصوم.

«أَلَمْ يَكُنْ أَوَّلِي مِنَ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارِ أَوَّلِي مِنَ دُخُولِ النَّارِ»
«مرگ، بهتر از ننگ و ننگ بهتر از آتش دوزخ است.»

حادثه کربلا و سخنانی که امام حسین (علیه السلام) و خانواده او داشتند و روحیات و خلق و خوی که از حماسه سازان عاشورا به ثبت رسیده است، منبع ارزشمندی برای آموزش اخلاق و الگوگیری در زمینه خودسازی، سلوک اجتماعی، تربیت دینی و کرامت انسانی است.

مسائلی همچون صبوری، ایثار، جوانمردی، وفا، عزت، شجاعت، وارستگی از تعلقات، توکل، خداجویی، همدردی و بزرگواری، نمونه‌هایی از «پیام‌های اخلاقی» عاشورا است و در گوشه گوشه این واقعه جاویدان، می‌توان جلوه‌های اخلاقی را دید.

آزادی در مقابل بردگی، اصطلاحی حقوقی و اجتماعی است، اما «آزادگی» برتر از آزادی است و نوعی حریت انسانی و رهایی انسان از قید و بندهای ذلت‌آور و حقارت‌بار است. تعلقات و پای بندی‌های انسان به دنیا، ثروت، اقوام، مقام، فرزند و... در مسیر آزادی روح او، مانع ایجاد می‌کند. اسارت در برابر تمنیات نفسانی و غلقه‌های مادی، نشانه ضعف اراده بشری است.

وقتی کمال و ارزش انسان به روح بلند و همت عالی و خصال نیکوست، خود را به دنیا و شهوات فروختن، نوعی پذیرش حقارت است و خود را ارزان فروختن.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَازَةَ لِأَهْلِهَا؟ إِنَّهُ لَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا.» (1)

«آیا هیچ آزاده‌ای نیست که این نیم‌خورده (دنیا) را برای اهلش واگذارد؟»

یقیناً بهای وجود شما چیزی جز بهشت نیست. پس خود را جز به بهشت نفروشید!

آزادگی در آن است که انسان کرامت و شرافت خویش را بشناسد و تن به پستی و ذلت و حقارت نفس و اسارت دنیا و زیر پا نهادن ارزش های انسانی ندهد.

در پیچ و خم ها و فراز و نشیب های زندگی، گاهی صحنه هایی پیش می آید که انسان ها به خاطر رسیدن به دنیا یا حفظ آنچه دارند یا تامین تمنیات و خواسته ها یا چند روز زنده ماندن، هر گونه حقارت و اسارت را می پذیرد. اما احرار و آزادگان، گاهی با ایثار جان هم، بهای «آزادگی» را می پردازند و تن به ذلت نمی دهند. امام حسین (علیه السلام) فرمود:

«مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ» (2)؛ مرگ با عزت بهتر از حیات ذلیلانه است.

این نگرش به زندگی، ویژه آزادگان است. نهضت عاشورا جلوه بارزی از آزادگی در مورد امام حسین (علیه السلام) و خاندان و یاران شهید اوست و اگر آزادگی نبود، امام تن به بیعت می داد و کشته نمی شد. وقتی می خواستند به زور از آن حضرت بیعت به نفع یزید بگیرند، منطقتش این بود که:

«لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيهِمْ بَيْدَى إِعْطَاءِ الذَّلِيلِ وَلَا أَقْبُرُ إِقْرَارَ الْعَبِيدِ» (3)؛ نه به خدا سوگند؛ نه دست ذلت به آنان می دهم و نه چون بردگان تسلیم حکومت آنان می شوم!

صحنه کربلا نیز جلوه دیگری از این آزادگی بود که از میان دو امر شمشیر یا ذلت، مرگ با افتخار را پذیرفت و به استقبال شمشیرهای دشمن رفت و فرمود:

«أَلَا وَ إِنَّ الدَّعَى بَنَ الدَّعَى قَدَرِ كَرْنَى بَيْنَ اثْنَتَيْنِ: بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَةِ وَهَيْهَاتَ مِنَّا الدَّلَةُ.» (4)

«بر ما گمان بردگی زور برده اند؛ ای مرگ! همتی که نخواهیم این قیود انسان های آزاده، در لحظات حساس و دشوار انتخاب، مرگ سرخ و مبارزه خونین را بر می گزینند و فداکارانه جان می بازند تا به سعادت شهادت برسند و جامعه خود را آزاد کنند.»

در نبرد روز عاشورا نیز، هنگام حمله به صفوف دشمن این رجز را می خواند:

«الْمَوْتُ أُولَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ أُولَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ» (5)

«مرگ، بهتر از ننگ و ننگ بهتر از آتش دوزخ است.»

روح آزادگی امام، سبب شد حتی در آن حال که مجروح بر زمین افتاده بود نسبت به تصمیم سپاه دشمن برای حمله به خیمه های زنان و فرزندان، برآشوبد و آنان را به آزادگی دعوت کند:

«إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ.» (6)

«گر شما را به جهان بینش و آیینی نیست لااقل مردم آزاده به دنیا باشید»

فرهنگ آزادگی در یاران امام و شهدای کربلا نیز بود. حتی مسلم بن عقیل پیشاهنگ نهضت حسینی در کوفه نیز،

هنگام رویارویی با سپاه ابن زیاد رجز را می خواند و می جنگید: «اقْسَمْتُ لَا أَقْتُلُ إِلَّا حُرّاً وَ إِنْ رَأَيْتُ الْمَوْتَ شَيْئاً

نُكْرًا» (7)

هر چند که مرگ را چیز ناخوشایندی می بینم. ولی سوگند خورده ام که جز با آزادگی کشته نشوم.

عاشورا

جالب اینجا است که همین شعار و رجز را عبدالله، پسر مسلم بن عقیل، در روز عاشورا هنگام نبرد در میدان کربلا می خواند. (8) این نشان دهنده پیوند فکری و مرامی این خانواده بر اساس آزادگی است.

دو شهید دیگر از طایفه غفار، به نام های عبدالله و عبدالرحمان، فرزندان عروه، در رجزی که در روز عاشورا می خواندند، مردم را به دفاع از «فرزندان آزادگان» می خواندند. و با این عنوان، از آل پیامبر یاد می کردند: «یا قوم ذودوا عن بنی الاحرار...» (9)

مصدق بارز دیگری از این حرّیت و آزادگی، حُرّ بن یزید ریاحی بود. آزادگی او سبب شد که به خاطر دنیا و ریاست آن، خود را جهنمی نکند و بهشت را در سایه شهادت خریدار شود. توبه کرد و از سپاه ابن زیاد جدا شد و به حسین (علیه السلام) پیوست و صبح عاشورا در نبردی دلاورانه به شهادت رسید. وقتی حرّ نزد امام حسین (علیه السلام) آمد، یکی از اصحاب حضرت، با اشعاری مقام آزادی و حرّیت او را ستود:

«لِنِعَمِ الْحُرِّ حُرُّ بَنِي رِيَّاحٍ وَ حُرٌّ عِنْدَ مُخْتَلَفِ الرِّمَاحِ» (10)

چون به شهادت رسید، سیدالشهدا (علیه السلام) بر بالین او حضور یافت و او را حُرّ و آزاده خطاب کرد و فرمود: «همانگونه که مادرت نام تو را حُرّ گذاشته است، آزاده و سعادتمندی، در دنیا و آخرت»؛ «أَنْتَ حُرٌّ كَمَا سَمَّيْتُكَ

أُمُّكَ، وَ أَنْتَ حُرٌّ فِي الدُّنْيَا وَ أَنْتَ حُرٌّ فِي الْآخِرَةِ». (11)

اگر آزادی خواهان و آزادگان جهان، در راه استقلال و رهایی از ستم و طاغوت ها می جنگند و الگوبیشان قهرمانی های شهدای کربلا است، در سایه همین درس «آزادگی» است که ارمغان عاشورا برای همیشه تاریخ است. انسان های آزاده، در لحظات حساس و دشوار انتخاب، مرگ سرخ و مبارزه خونین را بر می گزینند و فداکارانه جان می بازند تا به سعادت شهادت برسند و جامعه خود را آزاد کنند.

پی نوشت ها:

- 1- نهج البلاغه، صبحی صالحی، حکمت 456 .
- 2- مناقب، ابن شهر آشوب، ج 4، ص 68 .
- 3- موسوعة كلمات الامام الحسين، ص 421 .
- 4- لهوف، سید بن طاووس، ص 57 .
- 5- كشف الغمه، اربلی، ج 2، ص 32 .
- 6- بحارالانوار، ج 44، ص 51 .
- 7- همان، ص 352 .
- 8- بحارالانوار، ج 44، ص 352 .
- 9- وقعة الطف، ص 234 .
- 10- ارشاد، شیخ مفید (چاپ کنگره جهانی شیخ مفید) ج 2، ص 100 .
- 11- بحارالانوار، ج 45، ص 14/ وقعة الطف، ص 215.

منبع: پیام های عاشورا، جواد محدثی .